



Guidance and intervention of the government on mines in legal system of IRAN with a look at jurisprudential Theories and its application to the country of Mexico

Ebrahim Zeinali Nezhad¹, Ladan Foroomand², Keyvan Sedaghati³

¹ Ph. D. Student in Public Law, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.

² Assistant Prof, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Varamin Branch - Pishva, Tehran, Iran (**Corresponding Author**), Email: ladan.foroomand@gmail.com

³ Assistant Prof, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran, Email: keyvan.sedaghati@gmail.com

Abstract

Guidance and interventions in mines by the government from the past until now have always had a significant impact on the mining sector. The viewpoint of the legislator in granting guidance and intervention authority is rooted in jurisprudential opinions about the ownership of mines, which sometimes conflict with each other, and the reflection of these conflicts in mining laws from the past years to the present is quite clear. Therefore, in this article, firstly, the jurisprudential opinions about mines in Shia jurisprudence will be expressed, and then the analysis of the laws that show the limits and tools of the government's guidance and interventions will be discussed. Legal (Roman-Germanic or written law) with our country, we are investigating mines in Mexico. It should be noted that the sources of legal science in Mexico, like our country, include the constitution, ordinary laws, judicial opinions, custom and doctrine. In the end, by rejecting the theory of "Anfal" and encircling public rights on mines, it is stated that the government intervenes with policies, including with the help of guiding institutions, with the direct exploitation of some mines, and with the inspection of mines in Mexico We will find out the mining regulations of our country with the country of Mexico.

Keywords: Guidance, Interventionism, Mining Legal System, Iran, Mexico.

Received: 2022/12/10 ; **Revised:** 2023/08/12 ; **Accepted:** 2024/06/02 ; **Published online:** 2024/12/21

How To Cite: Zeinali Nezhad, Ebrahim; Foroomand, Ladan; Sedaghati, Keyvan (2023). Guidance and intervention of the government on mines in legal system of IRAN with a look at jurisprudential Theories and its application to the country of Mexico, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 11(4), 45-62. <https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.8883.2369>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





هدایتگری و مداخله‌گری دولت بر معادن در نظام حقوقی ایران با نگاهی بر نظریات فقهی و تطبیق آن با کشور مکزیک

ابراهیم زینلی‌نژاد فردوسی^۱، لادن فرومند^۲، کیوان صداقتی^۳

^۱ دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران. رایانامه: zinaly61s@yahoo.com
^۲ استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی ورامین، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: ladan.foroomand@gmail.com
^۳ استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران، رایانامه: keyvan.sedaghati@gmail.com

چکیده

هدایتگری‌ها و مداخلات در معادن، توسط دولت از دوران گذشته تاکنون همواره تأثیر بارز و شایانی در بخش معادن داشته است. دیدگاه قانون‌گذار در اعطای صلاحیت هدایتگری و مداخله‌گری، ریشه در نظرات فقهی پیرامون مالکیت معادن دارد که بعضاً این نظریات با یکدیگر در تضاد است و انعکاس این تضادها در قوانین معدنی از سال‌های گذشته تا به امروز کاملاً واضح است. لذا در این مقاله، ابتدا نظرات فقهی پیرامون معادن در فقه شیعه بیان و در ادامه به واکاوی قوانین که مبین حدود و ابزارهای هدایتگری و مداخلات دولت است، پرداخته خواهد شد. متعاقب آن به دلیل وجود معادن معتنابه و نفت خیز بودن و تشابه نظام حقوقی (رومی‌ژرمنی یا حقوق نوشته) با کشورمان به بررسی معادن در کشور مکزیک می‌پردازیم. لازم به ذکر است منابع علم حقوق نیز در کشور مکزیک، همانند کشورمان شامل قانون اساسی، قوانین عادی، آرای قضایی، عرف و دکتترین است. در انتها، با رد نظریه انفال و اثبات احاطه حقوق عمومی بر معادن، بیان می‌شود که دولت با سیاست‌گذاری، از جمله با کمک نهادهای هدایتگر به هدایتگری، با بهره‌برداری مستقیم از برخی معادن به مداخله‌گری می‌پردازد و با بررسی معادن در کشور مکزیک، به مشابهت بسیار زیاد مقررات معدنی کشورمان با کشور مکزیک پی خواهیم برد.

کلیدواژه‌ها: هدایتگری، مداخله‌گری، نظام حقوقی معادن، ایران، مکزیک.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱
استاد به این مقاله: زینلی‌نژاد فردوسی، ابراهیم؛ فرومند، لادن؛ صداقتی، کیوان (۱۴۰۳). هدایتگری و مداخله‌گری دولت بر معادن در نظام حقوقی ایران با نگاهی بر نظریات فقهی و تطبیق آن با کشور مکزیک، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۱(۴)، ۴۵-۶۲.

<https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.8883.2369>



مقدمه

معادن به دلیل ارزش ذاتی، مورد توجه شایان دولت‌ها و اشخاص قرار گرفته و از ثروت‌های ملی تلقی می‌گردد که توجه ویژه، مقررات‌گذاری و هدایتگری صحیح در این زمینه موجبات توسعه، رشد اقتصادی و تولید و اشتغال را فراهم خواهد آورد. از زمان تصویب قوانین و مقررات معدنی، در دوره‌های زمانی مختلف هم در مبحث مداخلات و هدایتگری‌های دولت و هم مبحث مالکیت در معادن اختلاف‌نظرهای زیادی وجود داشته است؛ زیرا پذیرش یا عدم پذیرش مالکیت معادن برای اشخاص حقیقی و حقوقی بخش خصوصی یا دولتی، در ایفاء نقش دولت کاملاً تأثیر گذار است.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران علی‌الخصوص اصل ۴۵ قانون اساسی، توجه ویژه‌ای به معادن به‌عنوان انفال و ثروت‌های عمومی همچون دریاها، دریاچه‌ها و ... شده و آن را در اختیار حکومت اسلامی قرار داده است. علی‌رغم اینکه این اصل بین انفال و ثروت‌های عمومی تمایزی قائل نشده است، اما آنچه از اصل ۴۵ قانون اساسی و قوانین خاص معدنی برمی‌آید، این است که مالکیتی برای اشخاص حقیقی و حقوقی در معادن پیش‌بینی نشده است. حتی در فقه امامیه نیز اختلاف‌نظرهای عدیده‌ای وجود دارد، به‌گونه‌ای که مشهور فقیهان، همچون علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۲۷۱) معادن را جزو مباحات دانسته که مردم در استفاده از آن‌ها مساوی و یکسان هستند و در قول غیر مشهور، فقهای، همچون شیخ کلینی (شیخ کلینی ۱۴۰۷ ه. ق: ۵۳۸) معادن را انفال تلقی می‌نمایند؛ بنابراین در نتیجه این دو دیدگاه متفاوت، قوانین و مقررات مختلفی در این خصوص وضع شده است و به رویه‌های مختلف عمل می‌شود و موجبات اختلاف حتی بین نهادها و سازمان‌های دولتی و حاکمیتی را فراهم کرده است.

اینک با توجه به اهمیت معادن و نیز هدایت‌ها، مداخلاتی که دولت به‌موجب قوانین متعدد اعمال می‌نماید، به این موضوع پرداخته می‌شود که در قوانین موجود دولت چگونه به هدایت این بخش می‌پردازد و چه مداخلاتی را در مورد معادن ایفاء می‌نماید که بتوان علی‌رغم استفاده از ظرفیت و توان بخش خصوصی و رفع اختلاف از تفاسیر موجود، حقوق عامه در معادن محفوظ بماند و آحاد جامعه از این ثروت ملی محروم نگردند و در ادامه وضعیت حقوقی معادن در کشور مکزیکی مورد کنکاش قرار می‌گیرد تا با تطبیق آن با صلاحیت‌های دولت در حوزه معادن در ایران به لحاظ هدایتگری و مداخله‌گری به نتایج واضح و روشنی دست یابیم. هدف مهم و کلی از انجام این مقاله بررسی نظرات فقهی و قوانین حقوقی مربوط به معادن به جهت تعیین جایگاه هدایتگری و مداخله‌گری دولت بر معادن در قوانین موضوعه و هدف فرعی بررسی اختلافات و تفاسیر متعدد فقهی و قانونی در مقوله حاکمیت دولت بر معادن است. این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی و در نگارش آن از روش تحلیلی توصیفی بهره‌گیری شده است و همچنین از بانک‌های اطلاعات شبکه‌های رایانه‌ای، نرم‌افزار، کتب و مقالات استفاده شده است.

در بررسی پیشینه موضوع، محمد طاهر کنعانی در مقاله‌ای تحت عنوان حق بهره‌برداری از معادن، منتشر شده در فصلنامه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران در پاییز ۸۹ قوانین و مسائل فقهی از باب ضرورت توزیع عادلانه درآمد، ثروت، حفاظت و پاسداری از معادن، نظارت و اعمال حاکمیت و در مواردی نیز اعمال مالکیت به عنوان مالکیت عمومی را ضروری دانسته، اما به نظر ایشان اعمال حاکمیت و مالکیت دولت نباید منجر به انحصار غیر ضرور در دولت و ممانعت از توان بخش خصوصی و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در جهت شناسایی، کشف و استخراج معادن ناشناخته باشد. مطابق با مبانی فقهی و حقوقی، مالکیت عمومی به معنای انحصار غیر ضرور دولت و ممنوعیت بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری و احیاء و استخراج معادن نیست. ایشان معتقد است قوانین موجود از حیث افراط و تفریط در رابطه با معادن بزرگ نیاز به بازنگری دارد. حال در جهت رسیدن به هدف اصلی که تبیین ماهیت مالکیت معادن و صلاحیت‌های هدایتی و مداخله‌ای دولت است، این مقاله به منظور بررسی معادن و تطبیق آن با کشور مکزیک در چهار گفتار تدوین شده است. در گفتار اول به نظریات فقهی در خصوص معادن؛ سپس در گفتار دوم به بیان هدایتگری دولت در معادن؛ در گفتار سوم به مداخله‌گری دولت در معادن و گفتار چهارم به بررسی وضعیت حقوقی معادن در کشور مکزیک پرداخته می‌شود.

۱. نظریات فقه امامیه در خصوص معادن

از آنجایی که عمدتاً در کشورهای اسلامی، قوانین ریشه در فقه و نظریات فقهی مرتبط با هر موضوع دارد و معدن نیز از این مقوله مستثنا نیست، ابتدا در آیات بخش نظرات فقه امامیه در خصوص معادن مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. نظریات فقه امامیه تأثیر بسزایی در دیدگاه قانون‌گذار کشور ما داشته و این مؤلفه نقش پررنگی در تصویب قوانین موضوعه و تعیین حدود هدایتگری و مداخلات دولت در حوزه معادن ایفا می‌نماید. در این قسمت به بررسی نظریات فقهی انفال و مباحات و تبعیت معدن از مالکیت زمین در خصوص معادن پرداخته خواهد شد. البته نظرات دیگری هم وجود دارد که به علت شاذ بودن آن‌ها، مورد بررسی قرار نگرفته است.

۱-۱. معدن و انفال

عده‌ای از فقهای بزرگ، معادن را به طور مطلق از انفال می‌دانند، یعنی فرقی میان معدانی که در اراضی انفال و معدانی که در غیر از این اراضی - مانند معدن موجود در ملک شخصی - یافت شود نمی‌گذارند، همان‌گونه که میان معدن ظاهری و معدن باطنی فرقی نمی‌گذارند. محقق حلی در شرایع می‌نویسد: «انفال عبارت است از اموالی که امام بر وجه خاصی مستحق است، همان‌گونه که برای رسول خدا (ص) نیز این استحقاق بوده است.» (حلی، ۱۴۰۸ ه. ق: ۱۶۷). حضرت امام خمینی (ره) در توصیف انفال، منصب امامت را نیز افزوده و فرموده است: «انفال عبارت است از اموالی که امام از جهت خاص یعنی

جهت منصب امامت مالک است، همان‌گونه که ملک پیامبر به جهت منصب نبوت بوده است» (موسوی الخمینی، ۱۳۹۲: ۴۱۶).

هم‌اکنون این سؤال مطرح است که آیا معادن هم جزء انفال است یا خیر؟ شمار مهمی از فقهای بزرگ، همه گونه‌های معادن را از انفال می‌دانند و در این فتوای خود، فرقی میان معدانی که در اراضی انفال و معدانی که غیر از این اراضی، مانند معدن موجود در ملک شخصی یا ملک موقوفه نمی‌گذارند، همان‌گونه که میان معادن ظاهری و معادن باطنی فرق نمی‌گذارند. شیخ کلینی، شیخ مفید، سلال، قاضی ابن‌براج، شیخ طوسی در نهاییه، علامه در مختلف، ملا احمد نراقی، شیخ انصاری و حاج آقا رضا همدانی از طرفداران مهم این قول هستند، باین‌همه این قول غیر مشهور است. کلینی در این باره می‌نویسد: «انفال ... مخصوص حضرت رسول (ص) است و همچنین نی‌زارها، معادن، دریاها و بیابان‌ها، تنها برای امام است.» (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق: ۵۳۸).

۱-۲. معدن و مباحات

نظریه دیگر در مورد معادن این است که معدن از مباحات و مشترکات است و تحت عنوان حیات مباحات هر کس می‌تواند در این اموال تصرف کند. برای روشن شدن موضوع به تبیین مباحات پرداخته می‌شود. مطابق ماده ۲۷ قانون مدنی «مباحات اموالی هستند که ملک اشخاص (حقیقی و حقوقی) نیست و افراد مردم می‌توانند، مطابق مقررات آن را تملک کنند، مانند اراضی موات»

مشهور فقیهان همچون شهید اول و ثانی، محقق حلی، محقق کرکی، فیض کاشانی، کاشف الغطاء، علامه حلی، صاحب جواهر و کثیری از فقها (کنعانی، ۱۳۸۷: ۳۲۳)، معادن را مطلقاً از مباحات دانسته‌اند، خواه معدانی که در اراضی انفال باشد، خواه معدانی که در اراضی مفتوحه العنوه باشد، خواه اراضی صلح باشد یا اراضی که مالکین آن با رغبت اسلام آورده‌اند، خواه زمین موات باشد خواه آباد.

محقق حلی تصریح می‌کند: «اینکه معادن از انفال باشد تردید وجود دارد و قول بهتر آن است که مردم در معادن مساوی هستند» علامه حلی نیز چنین آورده است: «معدن ظاهری ... اقرب اشتراک مسلمین در آن است و با احیاء به تملک در نمی‌آید و تحجیر در آن راه ندارد و قابل اقطاع هم نیست، اما معدن باطنی ... اقرب این است که اختصاص به امام ندارد و هر کس احیا کند، مالک آن می‌شود» (علامه حلی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۲۷۱). همان‌طور که از کلام فقها قائل به مباحات بودن معدن بر می‌آید، ایشان معادن را اعم از ظاهری و باطنی از اموالی می‌دانند که مالک خاص ندارد، ولی بین معادن ظاهری و باطنی تفاوت قائل شده‌اند. معادن ظاهری را از مشترکات می‌دانند و معادن باطنی را از مباحات (به همان تعاریفی که از مباحات و مشترکات کردیم). ولی فقها، گاهی توجه به فرق بین مشترکات و مباحات نکرده‌اند، با اینکه در حکم بین معادن ظاهری و باطنی فرق گذاشته‌اند، ولی هر دو را از مشترکات یا مباحات قلمداد کرده‌اند.

۱-۳. تبعیت معدن از زمین

گروهی از فقها در باب معدن، قائل به مالکیت معدن به تبع مالکیت زمین شده‌اند، یعنی حکم هر معدن به تبع زمینی است که در آن قرار دارد. مثلاً معدنی که در سرزمین مفتوحه العنوه پیدا شود، همانند آن سرزمین، ملک همه مسلمانان است و اختصاص به امام و حاکم اسلام ندارد و معدنی که در زمین شخصی یافت شود، از آن مالک آن زمین است. فقهای مانند ابن ادریس حلی (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ه. ق: ۴۹۷)، علامه حلی (حلی، ۱۴۱۲ ه. ق: ۵۷۳)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ه. ق: ۸۶)، محقق داماد (محقق داماد، ۱۴۱۸: ۳۹۵) و عده‌ای دیگر موافق با این نظریه هستند. این قول در میان قدمای از فقها، طرفدار چندانی ندارد، ولی در میان فقهای متأخر قول مشهوری است، چنانچه سید احمد خوانساری گفته است: «این قول، مذهب اکثر متأخرین است» (خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۳۳). مرحوم ابن ادریس می‌فرماید: «معدنی که در ته دره‌ها و همچنین بالای کوه‌ها است، ملک امام است، ولی آن معدنی که در زمین مسلمین است، امام بر آن‌ها حقی ندارد» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ه. ق: ۴۹۷). امام خمینی (ص) نیز آورده است: «یکی از موارد انفال معدن است، آن معدنی که مالک خاصی به تبع زمین یا احیاء نداشته باشد».

در انتها با بررسی دقیق نظریات فقهی در خصوص معدن و نظر به استفتاء شورای نگهبان از امام خمینی (ره)، طی نامه شماره ۹۴۰۷ مورخ ۱۳۶۶/۷/۲۱ و پاسخ ایشان مبنی بر اینکه «معدن واقع در املاک اشخاص را جزء انفال نبوده، ولی کنترل و نظارت دولت بر اکتشاف و بهره‌برداری از معدن طبق مصلحت عامه جایز است» بنابراین و با توجه به استفتاء یاد شده و پاسخ دریافتی به موجب نامه شماره ۹۶۶۸ مورخ ۱۳۶۶/۸/۳ به نظر می‌رسد نظریه تبعیت از زمین مورد پذیرش واقع شده است. البته مطابق نظر امام خمینی (ره) و قانون مربوطه، معدن نفت و گاز چون ملی است، از شمول نظریه تبعیت خارج و مالکیت آن متعلق به دولت است.

۲. هدایتگری دولت در معدن

از آنجایی که قانون‌گذار مطابق ماده ۲ قانون اصلاح قانون معدن مصوب سال ۱۳۹۰، مسئولیت اعمال حاکمیت بر معدن را در راستای اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی بر عهده وزارت صمت نهاده و از سوی دیگر با توجه به اینکه قانون معدن و اصلاحیه آن بهره‌برداری اشخاص خصوصی از معدن را مجاز دانسته، لذا دولت به ایفاء نقش حاکمیتی خود در راستای اجرای قانون مارالذکر به عنوان هدایتگر مبادرت می‌نماید تا علاوه بر ایجاد نظم عمومی به حفظ این منابع خدادادی به نیابت از عموم جامعه و جلوگیری از تضییع و برداشت‌های بی‌رویه و ناصحیح این ثروت‌های عمومی اقدام نموده باشد. مهم‌ترین وظیفه دولت به مفهوم تدوین استراتژی ملی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان، نظارت و کنترل، هماهنگ نمودن و

همسو کردن منافع ملی با منافع خصوصی است. دولت با تعیین استانداردها، سعی می‌کند تولیدکنندگان را وادار به رعایت ضوابط خاصی بکند یا به‌کارگیری مجموعه‌ای از امر و نهی‌ها با سیاست‌های تشویقی و تنبیهی فعالان عرصه اقتصاد را در مسیرهای موردنظر خود هدایت کند.

دولت به‌منظور اعمال نقش هدایتگری خود در پاره‌ای موارد به‌وسیله نهادهایی که توسط قانون ایجاد می‌شوند به هدایتگری پرداخته و در برخی موارد با سیاست‌گذاری به جهت‌دهی و هدایتگری در حوزه معادن می‌پردازد. اینک و با توجه به مطالب عنوان شده ما در این بخش به تبیین نحوه هدایتگری دولت در معادن خواهیم پرداخت. در قسمت اول، نهادهای هدایتگر؛ در قسمت دوم، سیاست‌گذاری دولت در معادن و در مبحث سوم، سرمایه‌گذاری دولت در معادن بررسی و مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

۱-۲. نهادهای هدایتگر

دولت به‌وسیله برخی شوراها و ستادهایی که به‌موجب قانون تشکیل شده‌اند، به ایفاء نقش هدایتگری خود در حوزه معادن می‌پردازد که ذیلاً به واکاوی آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۱-۲. شورای عالی معادن

به دلیل اهمیت معادن و ماهیت میان‌دستگاهی مسائل آن در اوایل انقلاب اسلامی با اصلاح قانون معادن، شورای عالی معادن به ریاست وزیر وقت معادن و فلزات، تشکیل شد. این شورا در آخرین اصلاح قانون معادن نیز دست‌خوش تغییر شد و شکل جدیدی به خود گرفت. مطابق ماده ۱۲ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰، برای ایجاد وحدت رویه و هماهنگی در انجام تکالیف و اختیارات تعیین شده در این قانون و حفظ حقوق دولت و دارندگان پروانه فعالیت‌های معدنی و همچنین ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری تشکیل شده است. از آنجایی که شورای عالی معادن، ظرفیت توسعه و بهبود وضعیت معادن کشور را دارد و از ارکان تأثیرگذار و هدایتگر در حوزه معادن است می‌توان بر آن تمرکز کرد. بر اساس قانون معادن، این شورا دارای اختیارات گسترده‌ای است؛ از حل و فصل اختلافات میان دارندگان پروانه بهره‌برداری تا تعیین تکلیف معادن بزرگ و همچنین از تأیید سرمایه‌گذاری بهره‌بردار در مواردی که باعث تخفیف در محاسبه حقوق دولتی می‌شود تا تأیید شرایط خاص بهره‌بردار در استخراج کمتر نسبت به میزان مندرج در پروانه بهره‌برداری، از جمله وظایف آن محسوب می‌گردد. این شورا نقشی حاکمیتی و تصمیم‌گیرانه دارد و وظایف آن به‌طور خاص در قانون معادن ذکر شده است. از آنجایی که شورای عالی معادن ظرفیت توسعه و بهبود وضعیت معادن کشور را دارد، می‌توان بر آن تمرکز کرد؛ چراکه این شورا بالاترین مرجعی است که در حوزه معدن سیاست‌گذاری می‌کند.

مطابق با تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون معادن مصوب سال ۱۳۹۰، تصمیمات شورای عالی معادن با حداقل چهار رأی، قطعی و لازم‌الاجراء است، ولی این امر مانع اعتراض در دیوان عدالت اداری

نیست. عیوبی را می‌توان به این شورا وارد نمود؛ ازجمله عدم شفافیت در شیوه بررسی و آرای صادره در شورای عالی معادن، نبود حق رأی برای نمایندگان تشکل‌های بخش خصوصی، عدم حضور ذی‌نفعان در پروسه بررسی پرونده‌ها در شورای عالی معادن و ناتوانی دسترسی جامعه معدنی به دستور جلسات، صورت جلسات و اخبار این شورای سرنوشت‌ساز (مهررودی، ۱۴۰۰: ۳۶). همواره این مشکلات ابهاماتی را برای جامعه معدنی کشور پدید آورده است که باید هرچه سریع‌تر نسبت به رفع آن‌ها گام‌های مؤثری برداشته شود، چون در غیر این صورت افق‌های روشنی در انتظار معادن نیست. اینجاست که می‌بینیم اصلی‌ترین راهکار برای بهبود عملکرد شورای عالی معادن ایجاد اتاقی شیشه‌ای در شورای عالی معادن است.

۲-۱-۲. صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی

صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی در راستای اهداف اقتصادی کلان کشور و همچنین تقویت و حمایت از سرمایه‌گذاران خصوصی در بخش معدن، با عنایت به ماده ۳۱ قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ در سال ۱۳۸۰ تأسیس شده و به‌منظور تحقق توسعه پایدار در بخش معدن و ایجاد تضمین و امنیت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های معدنی و هدایت و راهبری این سرمایه‌گذاری‌ها، فعالیت می‌نماید. ازجمله اهداف این صندوق کاهش خطرات سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های معدنی از طریق صدور بیمه‌نامه‌های سرمایه‌گذاری و اعتباری، توسعه پایدار بخش معدن و فرآوری مواد معدنی، ایجاد اشتغال در معادن، ایجاد زمینه جهت صادرات محصولات معدنی به کشورهای خارجی، ایجاد درآمدهای ارزی برای معدنکاران و کشور، کمک به توسعه و شکوفایی در صنایع معدنی و اشتغال در این فعالیت‌ها، افزایش سهم بخش معدن در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است.

۲-۲. سیاست‌گذاری در معادن

سیاست‌گذاری واژه‌ای است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره خورده و تداعی‌کننده اقدام دولت در اداره صحیح امور عمومی است. سیاست‌گذاری را می‌توان از ابزارهای حاکمیت در هدایت‌گری حوزه‌های مختلف دانست. به عبارت بهتر، دولت با اتخاذ سیاست‌های مد نظر خود به هدایت‌گری در حوزه مورد توجه می‌پردازد. سیاست‌گذاری عمومی دربرگیرنده برنامه‌های سیاسی برای اجرای طرح‌هایی به‌منظور دستیابی به اهداف اجتماعی است و بیانگر مجموعه فعالیت‌های حکومتی است که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد. مجموعه اقدامات دولتی به‌عنوان سیاست‌گذاری موضوعی است که به لحاظ تنوع بسیار وسیع است و حوزه‌هایی چون سیاست بهداشتی، کشاورزی، معدنی، صنعتی و... را در بر می‌گیرد. سیاست‌گذاری در عرصه مناسبات اجتماعی دارای دو مرحله طراحی نظری و کاری است و عملی است که اغلب توسط نهاد دولت صورت می‌گیرد (برزگر و

حسین‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۲).

دولت‌ها برای نیل به اهداف و تحقق سیاست‌هایی که به‌منظور رشد و توسعه کشور اتخاذ می‌نمایند، مبادرت به وضع یکسری اقدامات تنبیهی و تشویقی و یا حمایت از معادن کوچک مقیاس می‌نمایند تا اشخاص و سرمایه‌گذاران با این اهداف همسو نمایند. کشور ما و حوزه معادن نیز از این موضوع مستثنا نبوده و مجموعه حکومت در بخش معادن نیز از این عوامل تنبیهی و تشویقی استفاده می‌نماید. اینک به‌منظور تبیین سیاست‌های تنبیهی، از نظریه بازدارندگی بهره می‌گیریم. برخی تئوری‌پردازان این نظریه، از جمله زمپرینگ معتقدند که بازدارندگی عبارت است از «بسیاری که در حین ارتکاب عمل مجرمانه دچار وسوسه می‌شوند، از ارتکاب آن خودداری می‌ورزند، زیرا لذتی که از این طریق ممکن است کسب کنند با بیم از نتیجه ناگواری که مجازات قانونی به دنبال دارد، متغی و خنثی می‌شود» (محمودی جانکی و آقایی، ۱۳۸۷: ۵). حال با این تعریف می‌توان گفت هرگاه دولت، انجام فعلی توسط اشخاص را توأم با تأذیه جرائم یا مالیات‌های سنگین نماید تا بدین وسیله به کاهش این افعال دست یابد، می‌توان این اقدامات را سیاست‌های تنبیهی نامید. گستره معادن و فعالیت‌های معدنی نیز از این‌گونه تصمیمات تنبیهی خالی نیست، هرچند کمیت و کیفیت آن جای بررسی و تأمل دارد. از جمله سیاست‌های تنبیهی می‌توان به سیاست جلوگیری از خام‌فروشی اشاره نمود.

سیاست «جلوگیری از خام‌فروشی» در یک دهه گذشته به‌طور جدی از سوی سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی کشور پیگیری و اجرا شده است. خلق ارزش افزوده که نتیجه آن میزان اشتغال و کسب ثروت است، برای هر کشوری مفید است. در راستای جلوگیری از خام‌فروشی و حرکت در جهت این سیاست علاوه بر مواد قانونی فوق تبصره ۸ ماده ۳۵ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای مالی کشور نیز تصریح دارد مواد خام معدنی در صورت صادرات به خارج مشمول معافیت مالیات از صادرات نمی‌شوند و تبصره ۱۱ ماده ۳۴ قانون اخیرالذکر، مصادیق مواد معدنی خام با پیشنهاد شورای عالی معادن و تصویب شورای اقتصاد تعیین می‌گردد. سیاست‌های تشویقی از جمله ابزارهای دولت‌ها در جهت دست یافتن به اهداف و سیاست‌های اقتصادی است. ضرورت تعریف سیاست‌های تشویقی توسط دولت برای جذب و هدایت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه معادن کاملاً ملموس است. در صورت وجود مشوق‌های سرمایه‌گذاری، مانند بیمه سرمایه‌گذاران، معافیت‌های مالیاتی، گمرکی و امکان استفاده از تسهیلات ارزی ارزان‌قیمت، شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری و حرکت این حوزه در جهت شکوفایی فراهم می‌شود. بدیهی است مقررات‌زدایی و ساده‌سازی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی دستگاه‌های دولتی در راستای ایجاد محیط امن سرمایه‌گذاری برای رشد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری بسیار مناسب است.

در خصوص سیاست‌گذاری در احیا و راه‌اندازی معادن کوچک مقیاس، باید عنوان داشت که هرچند

در صنایع معدنی بیشتر توجهات بر روی شرکت‌های بزرگ متمرکز شده‌اند، اما در برخی از نقاط دنیا و به‌طور خاص در کشورهای در حال توسعه، مواد معدنی به روش سنتی و کوچک مقیاس استخراج می‌شوند (شکورشهایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۰). معیارهای متفاوتی برای تقسیم‌بندی معادن کوچک وجود دارد که فراگیرترین معیار در این زمینه میزان ماده معدنی و همچنین میزان تولید معدن است. معمولاً معدنی که مقدار ذخیره آن‌ها کمتر از یک میلیون تن باشد و بتوان به‌صورت ماهانه حداقل سه تن ماده معدنی از آن‌ها استخراج کرد، معدن کوچک هستند. از آنجایی که معادن کوچک، راحت‌تر از معادن بزرگ احیا می‌شوند، روند احیای این معادن زمان‌بر نیست و به زیرساخت‌های زیادی نیز، نیاز ندارند. در صورت راه‌اندازی یا احیای معادن کوچک مقیاس، با سرعت بیشتری می‌توان به توسعه رسید.

تاکنون، در روند شکل‌گیری معادن کوچک مقیاس، شغل‌های متنوعی ایجاد شده که در نهایت به رونق منطقه معدنی کمک کرده است. در واقع، وقتی یک معدن فعال شود، چندین شغل جانبی در کنار آن ایجاد و منجر به توسعه اقتصادی در کل کشور می‌شود. بنابراین، اشتغال‌زایی نیز، یکی دیگر از آثار مهم معادن کوچک مقیاس است. این طرح با پیشنهاد اولیه برپایی نهضت فرآوری و بهره‌وری توسط تشکل‌های بخش خصوصی از مهرماه سال ۱۳۹۶ آغاز شد که پس از جمع‌بندی، با انعقاد دو تفاهم‌نامه چهارجانبه در ۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۶ با ترکیب وزارت صمت، ایمیدرو، شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر، میدکو، خانه معدن ایران و انجمن سنگ آهن امضا شد و پس از ابلاغ اجرایی شدن تفاهم‌نامه‌های فوق به شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران، یک شرکت صددرصد دولتی به‌عنوان بازوی اجرایی سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران تحت پوشش وزارت صنعت، معدن و تجارت در هشتم اردیبهشت ۱۳۹۷ عملاً فاز اجرایی آغاز شد.

۳. مداخله‌گری دولت در معادن

منظور از مداخله‌گری دولت در این مرقومه همان تصدی‌گری است؛ یعنی دولت به جای اینکه اعمال حاکمیت نماید و اقدامات اجرایی را وفق تعریفی که بیان می‌دارد: «تصدی‌گری آن دسته از وظایفی را در برمی‌گیرد که قابل واگذاری به مردم و بخش خصوصی است» (نیلپور طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۱) به بخش خصوصی واگذار نماید، خود به‌صورت مستقیم وارد حوزه اجرا شده و به مداخله‌گری بپردازد. اندازه دولت در اقتصاد ایران، طی چند دهه اخیر، متأثر از افزایش قیمت جهانی نفت، انقلاب، جنگ، بازسازی پس از جنگ، تحریم‌ها و رشد قیمت‌ها دستخوش نوساناتی بوده است، اما به لحاظ تاریخی و به علت داشتن درآمدهای نفتی، دولت همواره به‌طور بارزی در اقتصاد دخالت کرده است و این دخالت محدود به وضعیت‌های خاص و بحرانی نبوده است.

مسئله دخالت دولت در اقتصاد ایران در عدم شکل‌گیری نظام بازار به‌عنوان بستر اصولی تعاملات اقتصادی و یکی از ارکان اصلی تنظیم‌گر تأثیر بسزایی داشته است (جلالی و فدایی، ۱۴۰۲: ۳۶). با

تعریف مزبور و بر اساس دیدگاه‌های حاکمیتی و فقهی تمایز بین انواع معادن وجود دارد و برخی از معادن باید صرفاً توسط دولت مورد بهره‌برداری قرار گیرد. به‌طور کلی مواد معدنی مذکور در طبقه اول و دوم، تحت شمول قانون معادن است و هرگونه اکتشاف یا بهره‌برداری از آن‌ها باید تحت نظارت و با اجازه وزارت مزبور انجام شود، بنابراین در این دسته از معادن اشخاص خصوصی اجازه بهره‌برداری دارند و دولت عمدتاً نقش هدایتگر داشته و اعمال حاکمیت می‌نماید؛ اما مواد معدنی دیگری نیز هستند که قانون معادن بر آن‌ها حاکم نیست و تابع قوانین مخصوص مربوط به خود هستند و دولت از طریق قوانین دیگر به مداخله‌گری در آن‌ها پرداخته و یا به عبارت صحیح‌تر تصدی‌گری می‌نماید که در دو گفتار آتی به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱. مواد معدنی پرتوزا

پرتو عبارت است از موج یا ذره کوچک دارای انرژی. پرتوها از نظر ویژگی‌های موجی نظیر طول‌موج یا فرکانس متفاوت هستند و همین تفاوت باعث می‌شود خصوصیات متفاوتی از خودشان نشان دهند. پرتو آلفا، بتا، گاما، نوترون و... از انواع مختلف پرتوها هستند (دفتر تدوین برنامه و طرح‌های راهبردی و معاونت برنامه‌ریزی هسته‌ای و نظارت راهبردی، ۱۴۰۱: ۳). از مواد معدنی که از شمول مقررات قانون معادن خارج است، کلیه مواد پرتوزا اعم از اولیه و ثانویه است که به‌موجب بند (ت) ماده ۳ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰ در طبقه چهارم مواد معدنی قرار گرفته‌اند. به‌موجب بند (د) ماده دو قانون سازمان انرژی اتمی ایران مصوب ۱۳۶۳ «انجام بررسی‌ها و عملیات اکتشافی برای تعیین مواد اولیه صنایع اتمی از قبیل سوخت اتمی و مواد رادیواکتیو و بهره‌برداری از این منابع از طریق استخراج و تخلیص، استفاده از مواد مزبور در صنایع و نیروگاه‌ها و کارخانه‌ها و تأسیسات مختلف اتمی کشور از مجموعه وظایف و اختیارات سازمان انرژی اتمی ایران است. با نگاهی اجمالی به قانون سازمان انرژی اتمی و آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۳ قانون اصلاح قانون معادن و شرکت‌های تابعه به این مهم پی می‌بریم که غیر از سازمان انرژی اتمی، اشخاص دیگر حق بهره‌برداری از مواد معدنی پرتوزا را نداشته، فلذا دولت از طریق این سازمان به‌صورت مستقیم به بهره‌برداری از معادن دارای مواد معدنی پرتوزا می‌پردازد.

۳-۲. نفت و مشتقات نفتی

در بیشتر کشورها منابع طبیعی و ملی در اختیار دولت است. حکومت تحت شرایط خاصی اجازه بهره‌برداری و تصرف در آن‌ها را به اشخاص واگذار می‌کند. یکی از جلوه‌های حاکمیت صلاحیت انحصاری دولت‌ها در بهره‌برداری از این منابع است. یکی از موضوعاتی که همواره از بعد ملی و بین‌المللی محل بحث و مناقشه بسیار بوده، موضوع مالکیت منابع نفتی است. منابع نفت در بیشتر

نزدیک به همه کشورهای دنیا، ملی است و در مالکیت عمومی یا دولتی قرار دارد؛ حتی در آمریکا نیز بخش‌های بزرگی از منابع نفت در زمین‌های متعلق به دولت‌های محلی و فدرال قرار دارند و تمامی منابع دریایی نیز متعلق به دولت است. مالکیت عمومی و دولتی بر منابع نفتی، نه تنها ناظر بر منابع موجود در مرزهای خشکی یک کشور است، بلکه این مالکیت به منابع موجود در فراساحل تا فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی نیز گسترش می‌یابد (موسی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱۶).

برای رفع چالش سیال بودن مواد نفتی، پیشنهاد شد که منابع زیرزمینی به‌عنوان مال بدون مالک شناخته شود و مالکیت آن در اختیار شخصی قرار گیرد که برای اولین بار به تصرف آن اقدام می‌کند (بهمنی و آرن، ۱۳۹۷: ۶). اما در ایران با ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۲۹، مالکیت این معادن به‌وضوح مد نظر قرار گرفت. وقتی بیان می‌شود که منابع نفت ملی است، یعنی این معادن را باید در زمره اموال عمومی دانست که ملکیت آن‌ها به مقام حکومت و ولایت تعلق دارد (یثربی و سبزواری، ۱۳۹۶: ۵۱۳). در قانون نفت سال ۱۳۶۱ به روشنی وضع مالکیت معادن بیان شده و در بند ۱ ماده ۳، تصریح شده منابع نفت کشور جزء انفال و ثروت‌های عمومی است و طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی است و کلیه تأسیسات و تجهیزات و دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که در داخل و خارج کشور توسط وزارت نفت و شرکت‌های تابعه به عمل آمده و یا خواهد آمد، متعلق به ملت ایران و در اختیار حکومت اسلامی خواهد بود.

اعمال حق حاکمیت و مالکیت نسبت به منابع و تأسیسات نفتی متعلق به حکومت اسلامی است که بر اساس مقررات و اختیارات مصرح این قانون به عهده وزارت نفت است که بر طبق اصول و برنامه‌های کلی کشور عمل نماید. چهار «کارکرد اصلی» حکمرانی خوب بخش نفت سیاست‌گذاری، راهبردگذاری، تصمیم‌سازی عملیاتی و نظارت و تنظیم‌گری هستند (شیروی و فرحناکیان، ۱۳۹۹: ۳۵۹). حال برای اینکه بازیگران اصلی این بخش بتوانند به‌طور مؤثر کارکردهای چهارگانه حکمرانی خوب بخش نفت را برآورده کنند، تنظیم‌گری خوب ضروری است. تنظیم‌گری خوب، یعنی اتخاذ سیاست تنظیم‌گری مناسب برای تعیین چارچوب سیاست دولت برای چگونگی تنظیم، ارزیابی و تغییر مقررات که می‌بایست توسط عالی‌ترین سطوح دولتی در قالب کمک به تحقق حکمرانی خوب در سراسر دوایر و سطوح دولت اجرایی گردد.

در انتها ذکر این نکته ضروری است که دیدگاه قانون‌گذار در حوزه معادن کاملاً متأثر از دیدگاه‌های فقهی است بدین گونه که در خصوص معادن غیر از نفت و گاز از نظریه تبعیت پیروی می‌نماید. به عبارت بهتر اگر زمین انفال باشد، معدن انفال و اگر زمین متعلق به اشخاص یا وقف باشد معدن انفال نبوده و اشخاص با رعایت تشریفات قانون معادن حق بهره‌برداری از آن‌ها را خواهند داشت و دولت صرفاً اعمال حاکمیت می‌نماید؛ اما معادن نفت و گاز با توجه به نظر امام خمینی (ره) و قانون نفت که در بخش‌های

قبل‌ی بدان اشاره شد، انفال تلقی و دولت مالک معادن مارالذکر است.

۴. معادن در کشور مکزیک

با بررسی و مذاقه در قانون اساسی مکزیک، با موضوع معادن مواجه می‌شویم، به گونه‌ای که مالکیت زمین‌ها، آب‌های محصور بین سرحدات کشور و معادن را متعلق به ملت و کشور دانسته و حق تملک و انتقال را نیز به ملت و کشور واگذار نموده؛ لذا با توجه به این مهم می‌توان دریافت که با اجازه ملت بخش خصوصی می‌تواند این اموال را تملک نماید (Act constitution s'Mexivco, 1917).^۱ این اصل در ادامه حق تسلط مستقیم بر تمامی منابع طبیعی از پهنه قاره و سکوه‌های زیر آبی جزایر و کلیه معدن‌ها و توده‌ها و لایه‌های زمین و زیرزمینی، یعنی سنگ‌های ارزشمند، نمک و نیز نمکینه‌های متشکله از طریق آب‌های دریاها و نیز محصولات حاصله از تجزیه صخره‌ها، آن هنگام که نیازمند به کارگیری منابع زیر خاکی باشد و نیز لایه‌های معدنی و آلی کلیه مواد، حتی تا مرحله کودهای شیمیایی و نیز سوخت‌های معدنی جامد، نفت و تمامی کربورهای هیدروژن منسجم و جامد و مایع و گازی شکل زیر فضایی محصور بین سرزمین ملی، طبق آنچه حقوق بین‌الملل مشخص و متذکر و تعیین کرده است را بر عهده کشور، دولت و ملت بیان می‌دارد (Mexico constitution, 1917: aricle27).

در خصوص استخراج منابع معدنی نفت و کربورهای هیدروژن سولید، لیکید تا گاز، یعنی هیدروکربورهای جامد و مایع و گازی شکل و یا مواد معدنی رادیواکتیو نیز قانون اساسی مکزیک اعطای مجوز و بهره‌برداری را ممنوع نموده و نیز حتی اگر اعطا هم شود، مجری نخواهد بود (Mexico constitution, 1917: aricle27). علی‌رغم کشف اولین چاه نفت در مکزیک در سال ۱۸۶۹ اما به طور رسمی در دو دهه اول قرن بیستم، یعنی از ابتدای سال ۱۹۰۱ میلادی مکزیک با ساماندهی صدها شرکت نفتی به بهره‌برداری از این منابع زیرزمینی را آغاز کرد (Robio, 2003: 5). بعد از اکتشافات منسجم که از طریق شرکت‌های خارجی در مکزیک صورت پذیرفت، در سال ۱۹۳۸ به فرمان رئیس‌جمهور مکزیک نفت در این کشور ملی اعلام شد و اکتشاف، تولید، پالایش، توزیع نفت و گاز و تولید و فروش فرآورده‌های اصلی پتروشیمی صرفاً از طریق دولت امکان‌پذیر گردید (lowe, 2014: 5).

محققان مکزیک می‌عتقدند که تاریخ نفت در مکزیک، از آغاز تا به امروز را می‌توان به سه دوره کلی تقسیم کرد. دوره اول، از ابتدای سال ۱۹۳۸ که در این دوره شرکت‌های نفتی حقوق انحصاری بر هیدروکربن‌ها داشتند و کشور ضعیف‌تر از آن بود که بتواند کاری انجام دهد. دوره دوم، از سال ۱۹۳۸ یعنی از زمان ملی شدن نفت تا سال ۱۹۷۶ که در این دوره به دلیل تحریم‌های ناشی از ملی شدن دولت به

1. Article 27: Ownership of the lands and water within the boundaries of the national territory is vested originally in the nation, which has had, and has the right of transmit title thereof private person thereby constituting private property.

سختی نفت صادر می نمود و دوره سوم، دوره شکوفایی که از سال ۱۹۷۶ به بعد بود (Huizar, 2008: 1). با توجه به قانون اساسی مکزیک و موارد بررسی شده متوجه می شویم که اشخاص خصوصی در مکزیک می توانند از معادن به جز معادن نفت و گاز و مواد معدنی رادیواکتیو بهره برداری نمایند.

نتیجه گیری

پس از مذاقه در مطالب معروضه به این یافته می رسیم که بحث انفال در خصوص معادن را باید در دو دسته از معادن بررسی نمود. یکی، معادن نفت و گاز و دیگری، سایر معادن و در ادامه بدین گونه تفسیر نمود که اصل ۴۵ قانون اساسی در مقام بیان مصادیق انفال و ثروت های عمومی بوده و با توجه به قانون معادن که اجازه برداشت از معادن توسط اشخاص را صادر نموده و از آنجایی که قانون مزبور به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده، پس معادن غیرنفتی از مصادیق انفال نیست؛ زیرا مالکیت انفال متعلق به حکومت اسلامی است و اشخاص خصوصی صرفاً به عنوان پیمانکار می توانند در بهره برداری از انفال اقدام نمایند. اما در حوزه معادن غیرنفتی، اشخاص خصوصی می توانند مطابق قانون معادن و اصلاحیه آن با رعایت احکام قانونی مندرج در قوانین معدنی از جمله اخذ پروانه بهره برداری به استخراج از این نوع معدن پرداخته و مالک ماده معدنی شوند؛ اما در خصوص معادن نفت و گاز با توجه به صراحت ماده ۲ قانون اصلاح قانون نفت مصوب سال ۱۳۹۰، منابع نفتی انفال است. دیگر یافته این است که ابزارها، نهادها و صلاحیت های متعددی در قوانین مختلف برای دولت پیش بینی شده و دولت ید مبسوطی بر گستره معادن دارد و این بخش از اقتصاد کشور تحت حاکمیت کامل حقوق عمومی است و حتی زمانی که بخش خصوصی نیز به این حیطه ورود می نماید فعالیت هایش توسط دولت به منظور جلوگیری از تضییع معادن پایش می گردد.

همچنین با واکاوی قانون اساسی مکزیک، به این مهم پی می بریم که مبحث معادن در کشور یاد شده به لحاظ فعالیت بخش خصوصی در معادن، به جز معادن نفت و گاز مطابق با ایران است و این اشخاص با نظارت دولت حق فعالیت در معادن را دارا هستند و در کشور مکزیک نیز همانند ایران نفت ملی است و این کشور حق بهره برداری از معادن نفت را به اشخاص خصوصی واگذار نمی نماید.

فهرست منابع

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. جلد ۱، چاپ ۴، دارالکتاب الاسلامیه.
- محقق حلی، ابوالقاسم جلدعفر بن حسن بن یحیی بن سعید (۱۴۰۸ ق). *شرايع الاسلام*. جلد ۳، چاپ ۲، مؤسسه اسماعیلیان.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲ ش). *ترجمه تحریرالوسیله امام خمینی*. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد ۲، چاپ ۱.
- علامه حلی (۱۴۱۳ ق). *قواعد الاحکام*. جلد ۲، چاپ ۱، دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ ق). *السرائر*. جلد ۱، چاپ ۲، دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی (۱۴۱۲ ق). *منتهی*. جلد ۸، چاپ ۱، مجمع البحوث الاسلامیه.
- شهید ثانی (۱۴۱۰ ق). *الروضه البهیة فی الشرح اللمعة الدمشقیة*. جلد ۲، چاپ ۱، کتابفروشی داوری.
- محقق داماد، سید محمد (۱۴۱۸ ق). *کتاب الخمس*. چاپ ۱، دارالاسراء.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ ق). *جلدالمع المدارک*. جلد ۲، چاپ ۲، مؤسسه اسماعیلیان.
- زحیلی، وهبه (۱۴۰۹ ق). *الفقه الاسلامی وادلتہ*. دارالفکر، جلد ۲.
- دمیری، بهرام بن عبدالله (۱۴۲۹ ق). *الشامل فی فقه الإمام مالک*. چاپ ۱، مرکز نجیبویه للمخطوطات و خدمه التراث.
- مزنی، اسماعیل بن یحیی (۱۴۱۰ ق). *مختصر المزنی*. جلد ۸، دارالمعرفه.
- کنعانی، محمد طاهر (۱۳۸۷ ش). *تملک اموال عمومی و مباحات*. چاپ ۱، تهران: میزان.
- برزگر، ابراهیم و صیاد حسین‌زاده (۱۳۹۵ ش). «بررسی عقلانیت سیاست‌گذاری در ایران». فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۱.
- شکور شهاب؛ نوری رضا؛ نوری، علی؛ سیدرضا عظیمی (۱۴۰۰ ش). «طبقه بندی پیشنهادی برای معادن ایران با تاکید بر معادن کوچک مقیاس». فصلنامه علمی علوم زمین، دوره ۳۱، شماره ۳، پیاپی ۱۲۱.
- دفتر تدوین برنامه و طرح‌های راهبردی و معاونت برنامه‌ریزی هسته‌ای و نظارت راهبردی (۱۴۰۱ ش). *آشنایی با انرژی هسته‌ای و کاربردهای آن (سطح متوسطه)*. جلد ۱، سازمان انرژی اتمی ایران.
- موسی‌زاده، ابراهیم؛ برخی، نسیم (۱۳۹۹ ش). *بررسی تطبیقی مالکیت معادن نفت و گاز در ایران و کشورهای حوزه نفت*. فصلنامه حقوق انرژی، دوره ۶.
- بهمی، محمد علی؛ بهمی، محمد آیین (۱۳۹۷ ش). *مالکیت عمومی بر منابع نفتی و تأثیر آن بر انتخاب الگوی قراردادی*. فصلنامه مطالعات حقوق انرژی، شماره ۱.
- محمدیثربی، سید علی؛ سبزواری، حبیب (۱۳۹۶ ش). *مالکیت و مدیریت معادن نفت و گاز در فقه امامیه و قوانین ایران*. فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۲.
- شیروی، عبدالحسین؛ فرحناکیان، فرشید (۱۳۹۹ ش). *ابعاد حقوقی تنظیم‌گری مناسب در حکمرانی خوب صنعت نفت*. فصلنامه مطالعات حقوق انرژی، شماره ۲.
- جلالی، محمد؛ فدایی، نازنین (۱۴۰۲ ش). *موانع و چالش‌های تنظیم‌گری اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه دولت رانتیر*. فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۱۰، شماره یک.

مهررودی، سلمان (۱۴۰۰ ش). مسئله یابی حقوقی شورای عالی معادن (مبانی، ساختار، صلاحیت و نحوه اعتراض به آرا). پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: صداقتی، کیوان، رشته حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

نیلی پور، سید علی اکبر؛ خزایی، سعید؛ فتاح اردکانی، حبیب (۱۳۹۹ ش). شناخت وظایف حاکمیتی دولت و اهمیت آن در تنظیم برنامه های راهبردی و نظارت بر عملکرد دستگاه ها (بررسی چالش ها، راهکارها، تلاش های صورت گرفته در این خصوص). فصلنامه تحقیقات و حسابرسی، شماره ۴۵.

محمودی، فیروز؛ آقایی، سارا (۱۳۸۷ ش). بررسی نظریه بازدارندگی. فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲.

References

- lowe, john (2014). National implication of the oil industry in Mexico and its role in the re ut international.
- Mexico 's constitution Act 1917.
- Robio, Bymar (2003). Oil and economy in Mexico 1900-1930s, universitat Pompeu fabra, Department of economic and Business (Barcelona,sapain).
- Huizar, Richard (2008). The politics of Mexico 's oil Monopoly, university of California, Santabarbara.

Persian Sources

- Koleini, Muhammad bin Yaqub, 1407 AH, Al-Kafi, Darul Kitab al-Islamiya publication, vol. 1, ch. 4.
- Mohagheq Helli, Abul Qasim Jafar bin Hasan bin Yahya bin Saeed, 1408 A. H., Shar'I al-Islam, Ismailian Institute Publication, vol. 3, ch. 2.
- Khomeini, Ruhollah, 1392, translated by Tahrir al-Wasila Imam Khomeini (PBUH), Imam Khomeini Editing and Publishing Institute, vol. 2, ch. 1.
- Allameh Helli, 1413 A. H., Rules of Laws, published by Islamic Publishing House, vol. 2, ch. 1.
- Helli, Ibn Idris, 1410 A. H., Al-Raer, Islamic Publishing House, Vol. 1, ch. 2.
- Allameh Helli, 1412 A. H., Mantehi, Majmam al-Bakhu-e-Islamiyya publication, vol. 8, ch. 1.
- Shahid Sani, 1410 A. H., al-Rawzah al-Bahiyyah fi al-Sharh al-Lamaa al-Madashkiyya, Davari Bookstore Publishing. Vol. 2, ch. 1.
- Mohagheq Damad, Seyyed Muhammad, 1418 AH, Kitab al-Khums, Dar al-Esra Publishing House, ch. 1.
- Khansari, Seyyed Ahmad, 1405 AH, Jame Al-Madarak, Ismailian Institute Publication, Volume 2, Chapter 2.
- Zaheili, Wahba, 1409 AH, Fiqh al-Islami and Adlatah, Dar al-Fikr publication, vol. 2.
- Damiri, Bahram bin Abdullah, 1429 A. H., Al-Shamil fi fiqh of Imam Malik, Najibouye Center for Manuscripts and Heritage, ch. 1.
- Mozni, Ismail bin Yahya, 1410 A. H., Al-Mozni's summary, Nasradar al-Marafa, vol. 8.

- Kanani, Mohammad Taher, 1387, Possession of public property and mabahat, Mizan publication, ch 1.
- Barzegar, Ebrahim and Sayad Hosseinzadeh, 2015, "Evaluation of the Rationality of Policymaking in Iran", Public Policy Quarterly, Vol. 1.
- Shakur Shahab, Reza and Ali Nouri and Seyed Reza Azimi, 1400, "Suggested Classification for Iran's Mines with an Emphasis on Small Scale Mines", Scientific Quarterly of Earth Sciences, 31, Vol. 3, P. 121.
- Office of Strategic Planning and Planning and Deputy of Nuclear Planning and Strategic Supervision, 1401 Sh., "Familiarity with nuclear energy and its applications (secondary level)", Atomic Energy Organization of Iran. c 1.
- Mouszadeh Ebrahim and Nasim Bekhi, 2019, "Comparative study of oil and gas mine design in Iran and the countries of the NAFTA region", Energy Law Quarterly, Volume 6.
- Behmai, Mohammad Ali and Mohammad Arin, 2017, "Public ownership of oil resources and its effect on the choice of contractual model", Energy Law Studies Quarterly, Vol. 1.
- Mohammadi Tharbi, Seyyed Ali, Sabzevari, Habib, 2016, "Ownership and Management of Oil and Gas Mines in Imami Jurisprudence and Iranian Laws", Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Quarterly, Vol. 2.
- Shiravi, Abdul Hossein and Farshid Farhana Kian, 2019, "Legal dimensions of appropriate regulation in the good governance of the oil industry", Energy Law Studies Quarterly, Vol. 2.
- Jalali, Mohammad and Fadaei, Nazanin, 1402, "Obstacles and challenges of economic regulation in the Islamic Republic of Iran in the light of the theory of the rentier state", Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Laws, D 10, Vol 1.
- Mehroudi, Salman, 1400, "Legal issues of the Supreme Council of Mines (fundamentals, structure, jurisdiction and method of protesting the votes)«, master's thesis, supervisor: Kivan Sedaghati, Faculty of Law, Faculty of Law and Political Sciences, Islamic Azad University Tehran South.
- Nilipour, Seyed Ali Akbar, Saeed Khazaei, and Habib Aftah Ardakani, (2019), "Recognizing the government's governance duties and its importance in setting strategic plans and monitoring the performance of institutions (examination of challenges, solutions, efforts) conducted in this regard)«, Research and Audit Quarterly, No. 45.
- Mahmoudi, Firouz and Sara Aghaei, 2017, "Examination of Deterrence Theory", Law Quarterly of Tehran University Faculty of Law and Political Science, Vol. 38, No. 2.